

## کلمات و عباراتی که از زبان فرانسوی و انگلیسی ترجمه شده‌اند

دکتر خسرو فرشیدورد

در شماره‌های ۹ و ۱۰ سال اول مجله مختصری درباره تأثیر زبانهای فرانسوی و انگلیسی در زبان فارسی نوشتیم و خصوصیات دستوری کلمات و تعبیراتی که از این دو زبان ترجمه شده‌اند مورد بحث قرار دادیم که تکرارشان را در اینجا زائد می‌دانیم و خوانندگان را بمطالعه شماره‌های مزبور فرا میخوانیم. از این شماره اینگونه اصطلاحات را بترتیب الفبا در مجله درج میکنیم تا ادب دوستان و مطالعه کنندگان گرامی مجله از تأثیر زبانهای فرنگی در فارسی معاصر آگاهی بیشتری یابند و ضمناً از آنان دعوت مینمائیم تا نظرات خود را درباره خوبی و بدی و چگونگی ترجمه عبارات برای ما بفرستند و اصطلاحات و کلماتی که بنظرشان بدترجمه شده‌است مجدداً ترجمه فرمایند. باشد از این رهگذر گامی در تهذیب و اصلاح زبان فارسی برداشته شود.

چنانکه در شماره‌های پیش معروض افتاد فعلاً ما پیشنهادی درباره اصلاح و تغییر اینگونه تعبیرات نمی‌دهیم و ترجمه‌ها را چه زشت و چه زیبا بی‌هیچ اظهار نظری مینویسیم و این کار را پس از چاپ شدن این مجموعه و تبادل نظر با اهل فن و دوستان زبان فارسی و همچنین به بعد از رسیدن نظر خوانندگان مجله موکول میکنیم.

برای برخی از اصطلاحات فقط معادل فرانسوی و برای برخی دیگر تنها برابر انگلیسی و برای پارامی هم معادل فرانسوی و هم برابر انگلیسی آن پیدا شده‌است. عبارات فرانسوی با علامت «ف» و عبارات انگلیسی با نشانه «ا» مشخص گردیده‌است.

البته تعبیرات ترجمه شده از فرانسه و انگلیسی بسی‌بیش از اینهاست و گردآوری همه آنها مستلزم سالها تفحص و تحقیق است فی‌المثل آنچه در اینجا از نظر میگردد حاصل ۱۵ سال مطالعه در زبان فارسی و فرانسوی و انگلیسی است. امید که در آینده اصطلاحات بیشتری را بیابیم و بر این مجموعه بیفزاییم و از دوستان مجله نیز این استدعا هست که اگر معادل فرانسوی یا انگلیسی این قبیل عبارات را یافتند برای ما بفرستند تا بنام خود ایشان چاپ شود.

از آوردن اصطلاحات علمی و فنی بویژه آنهایی که در فرهنگهای اختصاصی درج شده جز بندرت و آنهم در مواردی که لغت از صورت علمی و فنی خارج شده و صورت عام یافته است خودداری گردید .

ضمناً لازم میدانم از مراحم دوست گرامی آقای دکتر مسروپ بالایان استاد دانشمند دانشکده ادبیات اصفهان و آقای محمد مهربار معاون و استاد فاضل آن دانشکده که در تدوین این مجموعه مرا یاری کرده اند سپاسگزاری کنم .

\*\*\*

Grosse des aventures	ف	آبستن حوادث (جهان آبستن حوادث مهمی است)
Arroser l'arbre de la liberté de son sang	ف	آبیاری کردن درخت آزادی با خون خود
Cease fire	۱	آتش‌بس
Dernier mot	ف	آخرین سخن (آخرین سخن من باشما اینست..)
Le dernier moment	ف	آخرین لحظه (آخرین لحظه جنگ)
Un homme grossier	ف	آدم خشن
Les voix publiques	ف	آراء عمومی
Le calme avant l'orage	ف	آرامش قبل از طوفان
Une ecriture affranchie du style	ف	آزاد از سبک (نوشته آزاد از سبک)
Librement	ف	آزادانه
La liberté d'association	۱ ف	آزادی اجتماعات
La liberté des partis politiques	ف	آزادی احزاب سیاسی
La liberté economique	ف	آزادی اقتصادی
Libérateur		آزادی بخش - رهائی بخش
Libéral	ف	آزادیخواه - آزادی طلب
Libéralement		آزادیخواهانه
Liberalisme	ف	آزادیخواهی
La liberté politique	۱ ف	آزادی سیاسی
La liberté personnelle	۱ ف	آزادی شخصی
La liberté de l'opinion	۱ ف	آزادی عقیده
La liberté d'action	ف	آزادی عمل
La liberté individuelle	۱ ف	آزادی فردی

La liberté de la presse } The freedom of press }	آزادی مطبوعات
Les libertés personnelles ف	آزادیهای شخصی
Les libertés publiques ف	آزادیهای عمومی
Laboratoire ف	آزمایشگاه
Les essais nucléaires ف	آزمایشهای هسته‌ای
Sanatorium ف ۲	آسایشگاه
L'A sie Mineure ف	آسیای صغیر
Reconciliable ف	آشتی پذیر
Pacifique ف	آشتی‌جو (مسالمت‌آمیز)
Pacifiquement ف	آشتی‌جویانه
Irreconciliable ف	آشتی‌ناپذیر
Dear Sir ۱	آقای عزیز
To come the order from above ۱	آمدن دستور از بالا (مافوق)
Impératif ف	آمرانه ۳
Impérativement ف	آمرانه ۴
L' Amérique du Sud ف	آمریکای جنوبی
L' Amérique du Nord ف	آمریکای شمالی
L' Amérique centrale ف	آمریکای مرکزی
To learn a lesson from one's ۱	آموختن درس از کسی (درس‌خوبی از او آموخت)
Instruction publique ف	آموزش عمومی
Instantanément ف	آناً
Phonétique ف	آواشناسی
Rythme de développement ف	آهنگ‌رشد (آهنگ‌رشد اقتصاد امریکا)
Compositeur ف	آهنگساز
La future brillante ف	آینده‌درخشان
La future prochaine ف	آینده نزدیک
Reglementation ف	آیین‌نامه
La création poétique ف	ابداع شاعرانه

۱ - از فرهنگ حقوق تألیف دکتر حسینقلی کاتبی

۲ - ازواژه‌های نو فرهنگستان

۳ - صفت ؛ سخن گفتن آمرانه

۴ - قید ؛ او آمرانه سخن می‌گوید

Prendre des mesures nécessaires ف	{	اتخاذ تدابیر لازم
Take the necessary step )		
Unité de vue ف		اتفاق نظر - وحدت نظر
Gaspillage de temps		اتلاف وقت
Ultimatum ف		اتمام حجت
Positivement ف		اثباتاً بطور مثبت
L'empreinte digitale ف		اثر انگشت
Efficace		اثر بخش - مؤثر
L'effet sur quelque chose )		اثر بر روی چیزی (اثر عمیقی بر روی من گذاشت)
Les étrangers		اجانب
Forcement		اجباراً
Obligatoire		اجباری
Sociale		اجتماعی (مانند حقایق اجتماعی - امور اجتماعی)
Sociable		اجتماعی (بمعنی آداب دان و اهل معاشرت)
Socialiser ف to socialize )		اجتماعی کردن
Evitable ف		اجتناب پذیر
Inévitable ف		اجتناب ناپذیر
Inexécuté ف		اجرا نشده (نقشه اجرا نشده)
L'exécution du rôle ف		اجرای نقش
L'exécution du prozet ... du plan ف یا		اجرای نقشه
Probablement ف		احتمالاً - محتملاً
Eventuel ف		احتمالی
Les besoin imprévus ف		احتیاجات پیش بینی نشده
Avoir besoin ف		احتیاج داشتن
On n'a pas besoin de ف	{	احتیاجی نیست
There is no need to )		
Les partis politiques ف		احزاب سیاسی
Ressentir le besoin de ف	{	احساس احتیاج کردن
To feel the need of )		
Pressentiment ف		احساس قبلی
Ressentir la nécessité de ف	{	احساس لزوم کردن
To feel the necessity of )		

Ressentir la responsabilité ف	احساس مسئولیت کردن
Aquerir ses droits ف	احقاق حق
L'invention de l'imprimerie ف	اختراع ۱ چاپ
Les inventions merveilleuse ف	اختراعات عجیب و غریب
Inventeur ف	اختراع کننده
Alliage ف	اختلاط و امتزاج
La dispersion de voix ف	اختلاف آراء
La diversité des opinions ف	{ اختلاف عقاید
The difference of opinions ۱	
La divergence de vue ف	{ اختلاف نظر
The difference of view ۱	
Moral = ethique ف	اخلاقی
Dernièrement ف	اخیراً
Departement general = administration generale ف	اداره کل
Administrative ف	اداری (مثل کارمند اداری ، حقوق اداری)
Continuateur ف	ادامه دهنده (مثلا ادامه دهنده راه گاندی)
Poursuivre ses études ف	ادامه مطالعات
Requisitoire ف	ادعاینامه
Réaction internationale ف	ارتجاج بین المللی
Réactionnaire ف reactionary ۱	ارتجاعی
Les réactionnaires ف	ارتجاعیون
Armée de terre ف	ارتش زمینی
Le camp socialiste ف	{ اردوی سوسیالیست
Socialist camp ۱	
Evaluation ف evaluation ۱	ارزیابی
Evaluer ف	ارزیابی کردن
Job evaluation ۱	ارزیابی مشاغل = ارزش یابی و مشاغل
Reexpédition ف	ارسال مجدد
Les chiffres parlent ف	ارقام سخن می گویند
Dès les premiers moments ف	{ از اولین لحظات - از نخستین لحظات
From the first moments ۱	

۱ - اختراع در لغت بمعنی بریدن و جدا کردن

۲ - این اصطلاح در المنجدهم آمده است (بنقل از فرهنگ فارسی تألیف دکتر محمد معین)

Des études de ce genre ف	از این گونه مطالعات - از این قبیل مطالعات
De divers côtés ف	از جنبه های مختلف
From different points of view ۱	از جهات مختلف
Du fond du coeur ف	از ته دل
Deborder le cadre de quelque chose ف	از حدود چیزی تجاوز کردن
Perdre la chance ف	از دست دادن شانس
To lose the chance ۱	
Perdre l'occasion ف	از دست دادن فرصت
To lose the opportunity ۱	
Perdre le temps ف	از دست دادن وقت
Connaître de loin ف	از دور شناختن = از دور ادور شناختن
Aux yeux du linguiste ف	از دید زبانشناسی = از دریچه چشم زبانشناس
Aimer de tout son coeur ف	از صمیم قلب دوست داشتن
De la part de ف	از طرف (دولت ایران)
D'un autre côté ف	از طرف دیگر = از سوی دیگر
On th other hand ۱	
De ma part ف	از طرف من ۱
D'une part ف	از طرفی = از یک طرف = از یکسو
Socialement ف socially ۱	از لحاظ اجتماعی = از نظر اجتماعی
Moralement	از لحاظ اخلاقی
Economiquement ف economically ۱	از لحاظ اقتصادی
Logiquement ف logically ۱	از لحاظ منطقی
Voir de prés ف	از نزدیک دیدن
Connaître de prés ف	از نزدیک شناختن
Au point de vue de ف	از نقطه نظر
In point of view ۱	
Torpilleur ف ۱	از در افکن (در مورد کشتی)
Lance - torpille ف ۱	از در انداز
Fondamental ف	اساسی

۱ - در قدیم «ازمن» می گفته اند :

گر در عمل نکوشی نادان مفسری  
(سعدی)

از من بگوی عالم تفسیر گوی را

Exceptionnellement ف	}	استثناء
Exceptionally ۱		
Exceptionnel ف exceptional ۱		استثنائی
La capacité cachée		استعداد نهفته (دراو استعداد بزرگی نهفته است)
Inemployé		استعمال نشده
Utilisation des ressources naturelles		استفاده از منابع طبیعی
Déduction logique ف		استنتاج منطقی
Logical deduction ۱		
Ironique ف		استهزائی
Lettre de créance ف ۲		استوارنامه
Mystérieux ف		اسرار آمیز
Regrettable ف		اسف انگیز = اسف بار = تأسف آور = قابل تأسف
Arme à feu ف	}	اسلحه گرم - اسلحه آتشی
Fire arms ۱		
Enregistrement ف enrolment ۱		اسم نویسی = نام نویسی
Enregistrer ف to enrol ۱		اسم نویسی کردن
Association des efforts ف		اشترک مساعی
Accuser réception d'une lettre ف		اشعار داشتن وصول نامه
Les poesies vivantes ف living poems ۱		اشعار زنده
Aristocrat ف		اشرفی
Occuper ف to occupy ۱		اشغال کردن
Occupant ف		اشغالگر
Occuper une situation ف		اشغال موقعیت
Occupant ف		اشغالی (رژیم اشغالی)
Occupé ف		اشغال شده
Les difficultés administratives ف		اشکالات اداری = مشکلات اداری
Les reformes agraires ف	}	اصلاحات ارضی
The land reforms ۱		
Corrigible		اصلاح پذیر
Reformiste ف reformer = reformist ۱		اصلاح طلب
Incorrigible ف		اصلاح ناپذیر
All round reform ۱		اصلاح همه جانبه
Principal ف		اصلی
Les principes neufs ف	}	اصول جدید
New principles ۱		